بررسی رابطه میان شیوه‌های فرزندپروری والدین و میزان اضطراب دانش‌آموزان

فرزانه یعقوبی راد[1]

چکیده

خانواده نخستین واحد اجتماعی است که کودک و نوجوان در آن فرآیند رشد شناختی، اجتماعی، عاطفی و روانی خود را تجربه می‌کنند، بنابراین روش فرزندپروری والدین بر چگونگی رشد و تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان تاثیری بسزا می‌گذارد. هدف این تحقیق بررسی ارتباط میان شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب دانش‌آموزان است. روش تحقیق حاضر پیمایشی است و ابزار گردآوری داده‌ها با استفاده از دو پرسشنامه استاندارد شیوه‌های فرزندپروری رابینسون و همکاران و پرسشنامه اضطراب مدرسه فیلیپس انجام گرفت است. جامعه آماری دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانهای شهر تهران است که از میان آنها با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده ۸۰ دانش‌آموز به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. برای تعیین اعتبار و روایی از اعتبار صوری استفاده شده است. برای پایایی ابزار تحقیق هم مبادرت به محاسبه آلفای کرونباخ شده که نتایج قابل قبولی به‌دست آمده است. تحلیل یافته‌ها نشان داد که میزان اضطراب دانش‌آموزان براساس سبکهای تربیتی والدین معنادار است. میان شیوه‌های فرزندپروری والدین و پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی خانواده نیز طبق آزمون کی‌دو رابطه معنادار بوده است و خانواده‌های برخوردار از پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین، شیوه تربیتی فرزندشان بیشتر سبک استبدادی و خانواده‌های پایگاه اقتصادی متوسط و بالا سبک تربیتی‌شان اغلب سبک منطقی بوده است. میزان اضطراب در دانش‌آموزان دختر بیش از دانش‌آموزان پسر است. همچنین میزان اضطراب دانش‌آموزان پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین بیشتر از پایگاه متوسط و بالاست.

کلید واژگان: شیوه‌های فرزندپروری، اضطراب دانش‌آموزان، پایگاه اقتصادی- اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۶ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۰

۱.دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، شاغل در دانشگاه فرهنگیان و مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی farzanehrad@yahoo.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

بیان مسئله

خانواده مهم‌ترین نهادی است که در اجتماعی کردن کودک، پذیرش آداب و رسوم و استقرار اخلاق و عادات نیکو در کودک نقش دارد. خانواده به منزله یک نظام اجتماعی، نقشی حیاتی در رشد و پیشرفت انسان ایفا می‌کند و زمینه‌ساز رشد و رفاه جسمی، روانی و اجتماعی به شمار می‌رود.

یافته‌های تحقیقات گوناگون نشان داده است که تجارب خانوادگی در همه جنبه‌های زندگی نوجوانان مانند گرایشات رفتاری یا بزهکاری تاثیر می‌گذارد. آدلر معتقد است فرزندان والدینی که کودکان خود را طرد می‌کنند دچار کمبود محبت و امنیت می‌شوند که به احساس بی‌ارزشی، خشم و فقدان عزت نفس در آنان می‌انجامد. هورنای و فروم نیز درباره کمبود صمیمیت و محبت والدین و تاثیرات آن بر امنیت کودک مطالعات بسیار کرده اند. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که نگرشهای پذیرنده و دموکراتیک والدین، امکان رشد در فرزندان را به حداکثر می‌رساند و فرزندان این والدین، رشد ذهنی، قدرت ابتکار، امنیت عاطفی و ... دارند. والدین طرد کننده و سلطه‌جو، فرزندانی متزلزل، سرکش، پرخاشگر و ستیزه‌جو دارند. همچنین نوجوانان دارای والدین مستبد نسبت به نوجوانان دارای والدین دموکرات (مقتدر) افسرده‌تر هستند.

تحقیقاتی که در زمینه اختلالهای رفتاری صورت گرفته، اغلب این نتیجه را در بر داشته است که اختلالهای رفتاری اغلب حاصل نحوه ارتباط والدین با کودکان و شیوه‌های تربیتی آنهاست تا عوامل ارثی و زیستی. این موضوع نشان می‌دهد که خانواده و به ویژه رفتار والدین و شیوه‌های فرزندپروری آنها نقشی موثر در بروز اختلالات رفتاری در فرزندان و حتی بزرگسالی آنان دارد (آهنگرزاده، ۱۳۹۰). از این رو، این تحقیق به بررسی ارتباط شیوه‌های فرزندپروری با میزان اضطراب دانش‌آموزان در شهر تهران پرداخته است و سؤال اصلی تحقیق این است که آیا میان شیوه‌های فرزندپروری و میزان اضطراب دانش‌آموزان ارتباط وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

خانواده به منزله نخستین نهاد اجتماعی نقشی پایدار و تعیین کننده در شکل‌گیری رفتار، افکار و شخصیت افراد ایفا می‌کند. تعامل کودک با دیگران و جامعه در دوران بعدی زندگی او تحت تاثیر تجاربی است که از محیط خانواده کسب کرده است. محققان نوع تعامل کودک و والدین را از مهم‌ترین عوامل خانوادگی می‌دانند که سلامت روانی و رفتار اجتماعی او را پیش بینی می‌کند. روشهایی که والدین در برخورد با فرزندان خود اعمال می‌کنند، در شکل‌گیری شخصیت و رشد

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

کودک و ویژگیهای رفتاری و اخلاقی او تاثیر بسیار و گاهی همیشگی دارد. خانواده سالم و رشدیافته با تربیت فرزندان صالح ضامن سلامت و سعادت جامعه است، بنابراین برای رشد و تعالی جامعه باید به رشد و اعتلای خانواده اندیشید. با توجه به اهمیت نقش تربیتی والدین در رفتار کودکان و نوجوانان ضرورت این پژوهش مشخص می‌شود.

چارچوب نظری تحقیق و مروری بر پیشینه تحقیقات

مفهوم اضطراب

احساس دائمی آسیب‌پذیری نشانه اصلی اختلالات اضطرابی است. در این حالت شخص فکر می‌کند که قرار است اتفاق بد یا ناگواری رخ دهد و او نمی تواند هیچ کنترلی روی آن داشته باشد. این آسیب‌پذیری سبب می‌شود که فرد احساس کند دارای توانایی کمی برای حل مسائل و مشکلات است و در نتیجه میزان ترس و وحشت او در برابر مشکلات افزایش می‌یابد. به همین سبب شخص سعی می‌کند از موقعیتهای همراه با مشکل دوری کند. این قبیل افراد برای حفظ و حمایت از خود گاهی چندین روز از منزل خارج نمی‌شوند. این اختلال دارای یک سلسله نشانه-های رفتاری، شناختی و فیزیولوژیکی است. برای تشخیص این اختلال ابتدا لازم است معاینه و ارزیابی کامل پزشکی از فرد به عمل آید، زیرا این امکان وجود دارد که بعضی از شرایط و حالات بدنی و فیزیکی، نشانه‌هایی را به وجود آوردند که دقیقاً شبیه علائم اختلال اضطرابی دورهٔ نوجوانی است.

مشغولیت ذهنی نوجوانان دچار اختلال بیش اضطرابی معمولاً به شکلهای زیر است:

- نگرانی درباره قضاوتهایی که دیگران در مورد او می‌کنند (معمولاً گروه همسن و سال و...)
- نگرانی از اینکه آیا گروههای ورزشی، اجتماعی، تحصیلی و ... او را به عنوان یک عضو خواهند پذیرفت یا نه؟
- نگرانی از وضعیت آینده تحصیلی و اینکه آیا نمره قبولی را کسب خواهد کرد یا خیر؟

این اختلال ممکن است در دورهٔ بزرگسالی نیز ادامه پیدا کند. از تقسیم بندی DSMIV درباره اختلالات اضطرابی دوره بزرگسالی، می‌توان برای تشخیص دادن اختلالات اضطرابی دوره نوجوانی نیز بهره گرفت، زیرا جنبه‌های اساسی آنها مانند یکدیگر است. برخی از اختلالات اضطرابی عبارت‌اند از هراسهایی مانند هراس از مدرسه و اختلالات تعمیم یافته.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

دیدگاههای گوناگون درباره اضطراب

دیدگاههایی گوناگون درباره اضطراب وجود دارد که به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

الیس اضطراب و اختلالات عاطفی را نتیجه طرز فکر غیرمنطقی و غیر عقلانی می‌داند. به نظر او افکار و عواطف واکنشهای متفاوت و جداگانه ای نیستند، از این رو تا زمانی که تفکر غیرعقلانی ادامه دارد اختلالات عاطفی نیر به قوت خود باقی خواهد بود و الیس اضطراب و اختلالات عاطفی را زاده طرز تفکر خیالی و بی سعی انسان می‌داند (شفیع آبادی،۱۳۸۳: ۱۲۲).

راجرز معتقد است که بیگانگی اساسی در انسان میان خویشتن و تجربه به وجود می‌آید و این بیگانگی به این دلیل است که انسانها ارزشهای خود را برای حفظ توجه مثبت دیگران تحریف می-کنند. این نظر وضع را پیچیده می‌کند، چون با این اعتقاد، افراد تجاربی را که قبلاً با درد همراه بوده است مورد بی توجهی قرار می‌دهند، یعنی دوباره تعارضی که با تجربیات دردناک گذشته همبسته بوده، منبع اضطراب و دفاع می‌شود (شفیع آبادی،۱۳۸۳: ۱۲۲).

اضطراب در سنین نوجوانی

در سنین نوجوانی و بلوغ اضطراب امری شایع است و به شکلهای گوناگون نمود پیدا می کند که دلایل آن عبارت است از: احساس اینکه شخصیت‌شان بسیار نیرومند است و برای خود ارزش قائل‌اند، مهارتهای اجتماعی‌شان اندک است، نمی دانند چگونه باید تر و خشک کنند؛ از فنون زندگی با جمع آگاه نیستند و نمی دانند طرز برخوردشان چگونه باید باشد؛ احساس می کنند بزرگ شده‌اند و نباید هر سختی را بپذیرند و بدان تسلیم شوند. اضطراب یک احساس منتشر شده بسیار ناخوشایند است که اغلب با دلواپسی همراه است و با یک یا چند احساس جسمی همراه می‌شود مانند تنگی قفسه سینه، تپش قلب، تعریق، سر درد یا میل جبری ناگهانی برای دفع ادرار، بی‌قراری و میل برای حرکت (محمدخانی،۱۳۹۰: ۱۸۶).

خانواده

فرهنگ خانواده در پایه‌گذاری شخصیت کودکان تأثیری بسزا دارد. فرهنگ را مجموعهٔ علوم، افکار، فلسفه‌ها، ادبیات، آداب و رسوم، مناسک، ارزشها، هنر و دیگر یافته‌های اجتماعی از ابداعات و اختراعات می‌دانند که ابعاد وسیعی از حیات ما را در بر می‌گیرد. انواع نیازهای خانواده عبارتند از: ۱. نیازهای فیزیولوژیک ۲. نیازهای ایمنی – روانی ۳. نیازهای معنوی ۴. نیازهای رفاهی ۵. نیازهای آموزشی – هدایتی.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

تربیت فرزندان جایگاهی بسیار مهم در میان فلاسفه قدیم و حتی جدید و متخصصان آموزش و پرورش و روانشناس دارد. واژه تربیت از «ربو» به معنای رشد و بالندگی و افزایش یافتن گرفته شده است. برای هدایت کودکان به سوی رشد مثبت اجتماعی، عشق و علاقه والدین به تنهایی کافی نیست، برای اینکه بتوانند افرادی باکفایت باشند و صلاحیت فکری پیدا کنند، مقداری کنترل از جانب والدین ضروری است. در هر حال باید به خاطر داشت که هدف غایی پرورش اجتماعی، خودگردانی است نه تنظیم از سوی عوامل خارجی. هرگونه افراط در آسان‌گیری، یا محدودیت از سوی والدین، به رشد ناقص پرورشی در کودکان منجر می‌شود. تحقیقات معاصر در شیوه‌های فرزندپروری از مطالعات «بامریند» روی کودکان و خانواده‌های آنان نشأت گرفته است. استنباط بامریند از شیوه‌های فرزندپروری بر اساس یک رویکرد تیپ‌شناسی بنا شده است که روی ترکیب اعمال فرزندپروری متفاوت، متمرکز است. تفاوت در ترکیب عناصر اصلی فرزندپروری (مانند گرم بودن، درگیر بودن، درخواستهای بالغانه، نظارت و سرپرستی) تغییراتی در چگونگی پاسخهای کودک به تاثیر والدین ایجاد می‌کند (یعقوبخانی غیاثوندی، ۱۳۷۲).

شیفر از کسانی است که در این زمینه پژوهشهایی انجام داده است. او براساس مشاهداتی که از تعامل کودکان ۱ تا ۳ ساله با مادرانشان انجام داده، طرح یک طبقه‌بندی براساس دو جنبه رفتار والدینی یعنی آزادی ـ کنترل (سهل‌گیری در مقابل سخت‌گیری) و سردی ـ گرمی (پذیرش در مقابل طرد) ارائه نموده است. او نتیجه گرفت که مادران پذیرنده یا طردکننده می‌توانند سخت‌گیر یا آسان‌گیر باشند. این دو بعد اساساً اشاره به سطوح حمایت عاطفی دارد که والدین در مورد کودکانشان به کار می‌برند و نیز اشاره به کنترلی دارد که والدین در مورد کودکان خود اعمال می‌کنند. بدین ترتیب از ترکیب این دو بعد، الگوهای متفاوت رفتار والدین شکل می‌گیرند. به طور کلی بسیاری از رفتارهای والدین می‌توانند در چنین مدل چهاربعدی قرار گیرند (یعقوبخانی غیاثوندی، ۱۳۷۲).

زیگلمن روشهای ارتباطی والدین و فرزندان را به چهار گروه کلی تقسیم کرده است:

۱. والدین مقتدر ۲. والدین مستبد ۳. والدین سهل‌گیر ۴. والدین مسامحه‌گر یا بی‌اعتنا.

با اندکی تأمل متوجه می‌شویم که دیدگاه زیگلمن با دیدگاه شیفر تفاوت چندانی ندارد و تفاوت بیشتر در الفاظ است. در واقع باید گفت دیدگاه شیفر با وجود گذشت سالیان زیاد همچنان ثابت باقی مانده است، زیرا والدین مقتدر زیگلمن همان والدین گرم و کنترل‌کنندهٔ شیفر، والدین مستبد زیگلمن همان والدین سرد و کنترل‌کننده شیفر، والدین سهل‌گیر زیگلمن همان والدین گرم و

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

آزادگذار شیفر، و والدین مسامحه‌گر زیگلمن همان خانواده سرد و آزادگذار شیفر هستند (دهقانی، ۱۳۷۹).

بامریند طی مطالعات خود در مورد ابعاد رفتاری والدین و تأثیر آن بر کودکان دریافت، والدین مستبد و قدرت‌طلب دارای فرزندانی هستند که از نظر خویشتنداری در سطح متوسط قرار دارند ولی تا حدود زیادی گوشه‌گیرند و به دیگران بی‌اعتنایی می‌کنند (نقل از ماسن، ۱۳۷۷). شانک و پاجارس[1] (۲۰۰۲) در تحقیقی تأثیر والدین را بر سلامت روانی نوجوانان مورد مطالعه قرار داده‌اند. آنها در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که ویژگیهای والدین به‌صورت همزمان و طولی با سلامت روانی نوجوانان همبستگی دارد، ولی به‌طور کلی ویژگیهای پدر تأثیر بیشتری بر سلامت نوجوانان دارد.

ری و پلاپ[2] (۱۹۹۰) در پژوهشی کیفیت فرزندپروری والدین در نوجوانان مبتلا به اختلالات مقابله‌ای و کرداری را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش نوجوانان بهنجار در مقابله با گروههای دو گروه دارای اختلال، والدین خود را به عنوان کنترل‌کنندهٔ بی‌احساس می‌دانستند.

پتیت، بیتز و داج (۱۹۹۷) در مطالعه‌ای تأثیر حمایتهای اولیه را روی سازگاری کودکان در مدرسه مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آنان حاکی از آن بود که حمایت‌کنندگی والدین سبب سازگاری بهتر در مواجهه با مشکلاتی همچون مشکلات رفتاری، مهارتهای اجتماعی و عملکرد تحصیلی می‌شود. کتانین و همکاران (۱۹۹۷) در تحقیقی که درباره خلق و خوی کودکان و نگرشهای فرزندپروری مادران انجام دادند به این نتیجه رسیدند که شیوه‌های انضباطی سخت‌گیرانه مادران هیجانهای منفی و اجتماعی بودن پایین کودکان را توسعه می‌دهد. به‌طور کلی اغلب تحقیقات نشان می‌دهند که شیوه فرزندپروری والدین بر اخلاق، رفتار، شخصیت و عملکرد بعدی فرزندان موثر است (به نقل از احدی و بنی جمالی،۱۳۸۸).

هافمن[3] درباره خانواده سخت‌گیر و مستبد چنین نتیجه گرفته است که کودکانی که در خانواده سخت‌گیر بزرگ می‌شوند، معمولاً مطیع و فرمانبردارند ولی در بیشتر موارد رفتار آنها همراه با پرخاشگری است. این کودکان احساس ناامنی می‌کنند و استقلال کافی ندارند. آنها در میان همبازیهای خود محبوبیت زیاد به دست نمی‌آورند، برای حقوق دیگران احترام قائل نمی‌شوند، در

1. Schunk & Pajares
2. Rey & Plopp
3. Hafman

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

برابر انتقاد بزرگ‌ترها بی‌تفاوت اند و از ثبات عاطفی کمتری برخوردارند. سرانجام اینکه گرایش بیشتری به انحرافات اخلاقی از خود نشان می‌دهند (به نقل از احدی و بنی جمالی،۱۳۸۸).

مطالعات گوناگونی در کشور آمریکا و سایر کشورها برای بررسی رابطه میان شیوه‌های فرزندپروری و جنبه‌هایی از شخصیت و رفتار نوجوانان مانند عزت نفس، استقلال، رقابت، ادراک نگرشهای والدین و هویت صورت گرفته است (باوم رینـد ۱۹۷۵؛ الدر، ۱۹۸۰؛ هاریس و هوارد، ۱۹۷۹؛ هافمن، ۱۹۷۵؛ لودیس، ۱۹۸۲). شواهد نشان می‌دهد که والدین دموکرات، قاطع و اطمینان بخش به احتمال زیاد فرزندانی دارای اعتماد به نفس بیشتر، عزت نفس زیاد و مستقل با احساس مسئولیت بیشتر دارند (باخمن، ۱۹۷۰؛ باخمن، اومالی و جانسون، ۱۹۷۸؛ رونبرگ، ۱۹۶۵). مطالعات گوناگون نشان می‌دهند که نگرشهای پذیرنده و دموکراتیک والدین، امکان رشد را به حداکثر می‌رساند و فرزندان این والدین، رشد ذهنی، ابتکار، امنیت عاطفی و نظارتی فزاینده را نشان می‌دهند، والدین طرد کننده و سلطه‌جو، فرزندانی متزلزل، سرکش و پرخاشگر و ستیره جو دارند (بالدوین، ۱۹۸۵، به نقل از پروین و جان،[1] ۲۰۰۱). حسینیان (۱۳۷۵) رابطه شیوه فرزندپروری و عزت نفس دانش‌آموزان را مطالعه کرده و دریافته است که رفتار دموکراتیک والدین موجب افزایش عزت نفس و سازگاری عاطفی و رفتار استبدادی والدین موجب کاهش عزت نفس و سازگاری عاطفی می‌شود. تقریباً در تمام پژوهشهای مرتبط با بررسی شیوه‌های تربیتی توام با سخت گیری و طرد در بروز اضطراب، وجود چنین رابطه ای ثابت شده است که از آن میان می‌توان به نتایج پژوهشهای سالاری (۱۳۸۰)، مانچینی و همکاران(۲۰۰۰)، کیتامورا و همکاران (۲۰۰۰)، مهیر و همکاران (۲۰۰۴)، ماگای و همکاران(۲۰۰۰) و رونالدو (۱۹۹۷) اشاره کرد (به نقل از موریس، ۲۰۰۲).

سهرابی و حسنی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی تاثیر شیوه فرزندپروری والدین بر رفتارهای اجتماعی دختران نوجوان شهر تهران» نشان دادند که شیوه فرزندپروری استبدادی والدین روی از هم‌گسیختگی خانواده و مصرف دخانیات در اعضای خانواده و بروز رفتارهای ضداجتماعی دختران نوجوان تاثیر می‌گذارد، اما سن والدین و شمار فرزندان تاثیری بر رفتارهای ضداجتماعی دختران نوجوان ندارد. در این تحقیق شیوه فرزندپروری قاطع به عنوان موثرترین عامل در پیشگیری از رفتارهای ضد اجتماعی نوجوان شناخته شده است. اکبری (۱۳۸۲) در پژوهشی تحت عنوان بررسی شیوه‌های رویارویی با تنیدگی روانی (استرس) و رابطه آن با سلامت روانی در دانش‌آموزان

1. Pervin & John

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

مقطع متوسطه شهرستان سراب به این نتیجه رسید کسانی که میزان ناراحتی آنها از تنیدگی کمتر است از سلامت روانی بیشتر برخوردارند. لوید و گارترل در بررسی خود در زمینه وضعیت روانی دانشجویان آمریکایی و مقایسه آن با جمعیت عمومی نشان دادند که ابتدای تحصیل اختلافی معنادار میان دانشجویان دختر و پسر از نظر علائم روانی وجود ندارد، اما در طول تحصیل دانشجویان دختر علائم روانی بیشتری را نسبت به پسران از خود بروز می‌دهند (به نقل از ایروانی و ایزدی، ۱۳۷۸). پترسن و همکاران اظهار کردند که در انواع گوناگون فضاهای خانوادگی، اختلالات رفتاری و نوروتیک دیده می‌شود. متغیر اصلی برای تمایز میان این نوع خانواده‌ها، میزان و نوع سرپرستی آنهاست. رفتار پرخاشگرانه، رفتار ضداجتماعی و اختلالات رفتاری با فقدان یا اختلال در سرپرستی خانواده همبستگی دارد.

ارتباط والدین و فرزندان و میزان اضطراب

ارتباط والدین و فرزندان از موارد مهمی است که سالها توجه صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند میان کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد. کودک در خانواده پندارهای اولیه را درباره جهان فرا می‌گیرد، از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می‌یابد، شیوه‌های سخن گفتن را می‌آموزد، هنجارهای اساسی رفتار را یاد می‌گیرد و سرانجام نگرشها، اخلاق و روحیاتش شکل می‌گیرد و به عبارتی اجتماعی می‌شود.

شیوه‌های فرزندپروری به مثابه مجموعه یا منظومه‌ای از رفتارها که تعاملات والد ـ کودک را در طول دامنه‌ای گسترده از موقعیتها توصیف می‌کند و فرض شده است که یک جو تعاملی تأثیرگذار را به وجود می‌آورد. شیوه‌های فرزندپروری یک عامل تعیین‌کننده و اثرگذار است که نقشی مهم در آسیب‌شناسی روانی و رشد کودکان بازی می‌کند. بحث در مورد هریک از مشکلات فرزندان بدون در نظر گرفتن نگرشها، رفتارها و شیوه‌های فرزندپروری تقریباً غیرممکن است. هرچند روانشناسان و نظریه‌پردازان بر نقش والدین و شیوه‌های فرزندپروری تأکید می‌کنند، تحقیقات بسیار اندک در مورد شیوه‌های فرزندپروری و آسیب‌شناسی روانی کودک به عمل آمده است (علیزاده و آندرایس؛ به نقل از محرابی، ۱۳۸۳).

تأثیر محیط خانواده بر رشد کودک اغلب از راه مشاهده تعامل والد ـ فرزند مورد بررسی قرار گرفته است. در این مشاهدات معمولاً ویژگیهای رفتاری والدین را از دو بعد ارزیابی کرده‌اند: الف) پذیرش (گرمی)، شامل حمایت و پرورش عاطفه مثبت میان والدین و کودک است. ب) کنترل،

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

شامل آن دسته از رفتارهای والدین است که رفتار کودک خود را هدایت می‌کنند مانند: راهنمایی و کنترل، بازدارنده یا تسهیل‌کننده (پل کنین و همکاران؛ به نقل محرابی، ۱۳۸۳).

به‌طور کلی، پژوهشها نشان می‌دهند که روشهای تربیتی والدین اثرات طولانی بر رفتار، عملکرد، انتظارات و در نهایت بر شخصیت افراد در آینده دارند. مثلاً والدین سختگیر و دیکتاتور مانع پیشرفت و خلاقیت کودک می‌شوند. والدینی که اجازه نمی‌دهند کودک ابراز وجود کند مانع بروز استعدادهای بالقوه او می‌شوند و در نتیجه این قبیل کودکان در آینده افرادی روان آزرده و پرخاشگر خواهند شد (به نقل از مهرابی‌زاده هنرمند و همکاران، ۱۳۷۹).

هدف تحقیق

هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه میان شیوه‌های فرزندپروری والدین و میزان اضطراب دانش‌آموزان است.

فرضیه‌های تحقیق

۱. میزان اضطراب دانش‌آموزان براساس شیوه‌های فرزندپروری والدین (آسان‌گیر، سخت‌گیر، مقتدر) متفاوت است.

۲. میان شیوه‌های فرزندپروری والدین بر اساس پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی خانواده رابطه وجود دارد.

۳. میزان اضطراب براساس جنسیت دانش‌آموزان متفاوت است.

۴. میزان اضطراب دانش‌آموزان براساس پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی خانواده‌ها متفاوت است.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ معیار اجرایی، تحقیق کاربردی است. از لحاظ زمانی این تحقیق جزو تحقیقات مقطعی است. با توجه به میزان ژرفایی تحقیقات جزو تحقیقات پهنانگر است. روش تحقیق نیز پیمایشی است.

جامعه و نمونه تحقیق

جامعه مورد بررسی شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانهای شهر تهران در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ است. روش نمونه‌گیری این تحقیق از نوع نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای است. بدین صورت که ابتدا دانش‌آموزان به دو طبقه پسر و دختر تقسیم شده اند، آنگاه با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به نسبت عده دختران و پسران مورد آزمون قرار گرفتند. به منظور تعیین

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده و با توجه به واریانس محاسبه شده برای نمونه اولیه حجم نمونه ۸۰ تعیین شده است.

$$n=\frac{\frac{Z_{\alpha/2}^2\times(P\times Q)}{d^2}}{1+\frac{\left[\frac{Z_{\alpha/2}^2\times(P\times Q)}{d^2}\right]-1}{N}}\approx 80$$

ابزارهای اندازه‌گیری

الف) پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری: برای سنجیدن الگوهای تربیتی خانواده، از پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری «بامریند»[1] استفاده شده است. این ابزار اقتباسی از نظریه اقتدار والدین است که بر اساس نظریه «بامریند» از سه الگوی آزادگذاری[2]، استبدادی[3] و اقتدار منطقی[4] والدین، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که ۱۰گویه آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ گویه به شیوه استبدادی و ۱۰ گویه دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود.

ب) پرسشنامه اضطراب مدرسه فیلیپس: برای سنجیدن میزان اضطراب دانش‌آموزان، از پرسشنامه اضطراب مدرسه فیلیپس بهره‌گیری شده است. این پرسشنامه را فیلیپس در سال ۱۹۷۸ به منظور سنجش میزان اضطراب دانش‌آموزان ساخته و چهار عامل را اندازه گرفته است که عبارت‌اند از: ۱. ترس از ابراز وجود و بیان خود ۲. اضطراب امتحان ۳. عدم اطمینان در مواجه شدن با انتظارات دیگران و برآورده کردن آنها ۴. واکنش فیزیولوژیکی مربوط به تحمل کم فرد در مقابل استرس. این تست را در ایران ریاحی و اکبری (۱۳۷۱) ترجمه کرده اند و از میان ۷۴ سوال به دلیل تفاوتهای فرهنگی بسیار، ۶۵ سوال را گزینش کرده اند. این سؤالات دو گزینه‌ای هستند که با بلی و خیر پاسخ داده می‌شوند.

1. Baumrind
2. Permissive
3. Authoritarian
4. Authoritative

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

پایایی سؤالات و گویه‌ها

پایایی سؤالات پرسشنامه براساس آزمون آلفای کرونباخ[1] تعیین شده و مقدار آلفا در دامنهٔ صفر تا یک است. به طوری‌که از طریق این ضریب به پایداری درونی گویه‌ها پی برده می‌شود. اگر مقدار آلفا بیشتر از ۰/۷ باشد سؤالات و گویه‌ها برای سنجش مفهوم یا متغیر موردنظر مناسب هستند و توصیف و آزمون روابط متغیرها از نظر علمی معتبر است.

جدول شماره ۱. ضریب آلفای کرونباخ

سازه	تعداد سؤال	مقدار آلفا
مقیاس آزادگذاری	۱۰	۰/۸۷۴۲
مقیاس استبدادی	۱۰	۰/۷۲۶۶
اقتدار منطقی	۱۰	۰/۸۰۱۲
پرسشنامه اضطراب		۰/۷۸۱۲

یافته‌های توصیفی

توزیع فراوانی جنسیت دانش‌آموزان مورد مطالعه: براساس اطلاعات جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود که ۴۱/۳٪ از دانش‌آموزان مورد مطالعه در این تحقیق پسر و ۵۸/۸٪ دختر هستند که نما در این توزیع مربوط به پاسخگویان زن است.

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی جنسیت دانش‌آموزان مورد مطالعه

جنسیت دانش‌آموزان	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
پسر	۳۳	۴۱/۳	۴۱/۳
دختر	۴۷	۵۸/۸	۱۰۰
کل	۸۰	۱۰۰	

توزیع فراوانی والدین براساس شیوه‌های تربیتی فرزندان: براساس اطلاعات جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود که شیوه تربیتی فرزندان ۲۰٪ از والدین مورد مطالعه سبک استبدادی، ۵۰٪ منطقی و ۳۰٪ نیز سبک آسان‌گیر بوده است که نما در این توزیع مربوط به والدینی است که سبک منطقی را برای تربیت فرزندان به کار می‌گیرند.

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی والدین براساس شیوه‌های تربیتی فرزندان

سبک تربیتی	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
سبک استبدادی	۱۶	۲۰	۲۰
سبک منطقی	۴۰	۵۰	۷۰
سبک آسان‌گیر	۲۴	۳۰	۱۰۰
کل	۸۰	۱۰۰	

1. Cronbach

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

توزیع فراوانی شیوه‌های فرزندپروری والدین به تفکیک جنسیت دانش‌آموزان: براساس اطلاعات جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود که شیوه فرزند پروری ۱۲/۵٪ از والدین دانش‌آموزان دختر سبک استبدادی، ۲۸/۸٪ منطقی و ۱۷/۵٪ آسان‌گیر بوده است. در مورد پسران، ۷/۵٪ والدین از سبک استبدادی، ۲۱/۳٪ منطقی و ۱۲/۵٪ نیز سبک آسان‌گیر را به‌کار برده اند.

جدول شماره ۴. توزیع فراوانی شیوه‌های فرزندپروری والدین به تفکیک جنسیت دانش‌آموزان

	فراوانی		درصد معتبر	
	دختر	پسر	دختر	پسر
استبدادی	۱۰	۶	۱۲/۵	۷/۵
منطقی	۲۳	۱۷	۲۸/۸	۲۱/۳
آسان‌گیر	۱۴	۱۰	۱۷/۵	۱۲/۵
کل	۴۷	۳۳	۵۸/۸	۴۱/۳

توزیع پراکندگی میزان اضطراب دانش‌آموزان مورد مطالعه: براساس اطلاعات جدول شماره ۵ متوسط میزان اضطراب دانش‌آموزان برابر ۱۳/۹۲±۳۹/۷۹ محاسبه شده که حداقل میزان نمره اضطراب ۲۴ و حداکثر ۸۵/۱۴ است و ضریب کجی(چولگی) ۱/۷۲ =sk است که بیانگر مثبت بودن توزیع داده‌هاست. به‌طوری‌که در ۲۵٪ دانش‌آموزان میزان اضطراب کمتر از ۳۰، ۲۵٪ میان ۳۷- ۴۵، ۲۵٪ میان ۴۵- ۳۷ و ۲۵٪ نیز بیش از ۴۵ اظهار کرده‌اند، که در مجموع می‌توان گفت میزان اضطراب دانش‌آموزان مورد مطالعه در حد پایین است.

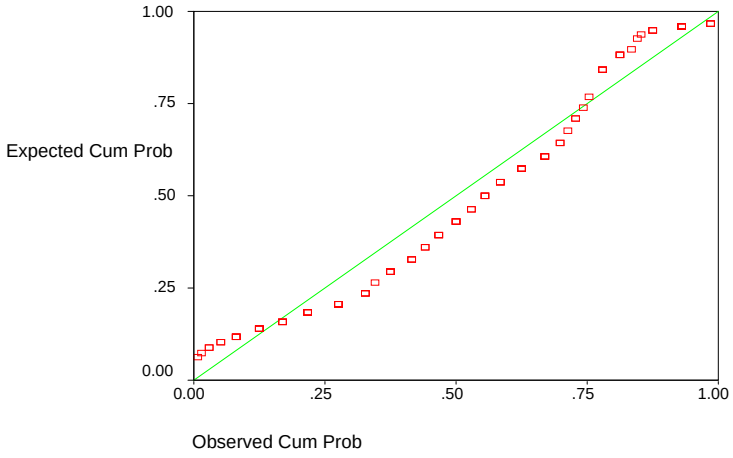
جدول شماره ۵. توزیع پراکندگی میزان اضطراب دانش‌آموزان مورد مطالعه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	ضریب کجی	حداقل	حداکثر
اضطراب	۸۰	۳۹/۷۹	۱۳/۹۲	۱۹۳/۹	۱/۷۲	۲۴	۸۵/۱۴

آزمون اسمیرنف کولموگروف جهت تشخیص نرمال‌بودن توزیع پراکندگی متغیر اضطراب: به منظور انتخاب آزمونهای آماری مناسب برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده لازم است که نوع توزیع سازه از نظر نرمال بودن پراکندگی آنان ارزیابی شود. در این مورد از آزمون اسمیرنوف کولموگروف استفاده شده که در نهایت طبق اطلاعات نمودار شماره یک ملاحظه می‌شود که سطح معناداری آزمون فوق در مورد سازه فوق از ۰/۰۵ بزرگتر است. بنابراین می‌توان قضاوت نمود که توزیع پراکندگی نمرات سازه اضطراب نرمال است و آزمونهای پارامتری استفاده شده مناسب بوده‌اند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]



نمودار شماره ۱. تشخیص نرمال بودن توزیع پراکندگی متغیر اضطراب

مقایسه میزان اضطراب دانش‌آموزان مورد مطالعه براساس سبکهای تربیتی والدین: براساس اطلاعات جدول شماره ۶، متوسط میزان اضطراب دانش‌آموزانی که والدین آنان از سبک استبدادی برای تربیت فرزندان بهره گرفته اند، برابر ۲۱/۳۳± ۵۶/۱۷، سبک منطقی ۷/۱۳± ۳۵/۷۸ و سبک آسان‌گیر ۷/۰۴± ۳۵/۵۴ به‌دست آمده است که مطابق آزمون تحلیل واریانس یکطرفه مقدار F=۲۰/۷۷ با سطح معناداری P =۰/۰۰۰ معنادار است. بنابراین می‌توان گفت میزان اضطراب دانش‌آموزان براساس شیوه‌های تربیتی والدین متفاوت است و طبق آزمون تعقیبی LSD میزان اضطراب در دانش‌آموزانی که والدینشان از سبک استبدادی برای تربیت فرزندانشان استفاده می‌کنند بیشتر از سبک منطقی و آسان‌گیر است.

جدول شماره ۶. مقایسه میزان اضطراب دانش‌آموزان مورد مطالعه براساس سبکهای تربیتی والدین

	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	مقدار F	سطح معناداری
استبدادی	۱۶	۵۶/۱۷	۲۱/۳۳	۲۴	۸۵/۱۴	۲۰/۷۷	۰/۰۰۰
منطقی	۴۰	۳۵/۷۸	۷/۱۳	۲۵	۴۸		
آسان‌گیر	۲۴	۳۵/۵۴	۷/۰۴	۲۴	۴۸		
کل	۸۰	۳۹/۷۹	۱۳/۹۲	۲۴	۸۵		

رابطه میان شیوه‌های فرزندپروری والدین بر اساس پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی خانواده: براساس اطلاعات جدول شماره ۷، رابطه میان شیوه‌های تربیتی والدین و پایگاه اقتصادی- اجتماعی آنان طبق معیار کی‌دو ۱۴/۳ با سطح معناداری ۰/۰۰۶ محاسبه شده است. از آنجا که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین میان پایگاه اقتصادی- اجتماعی و شیوه‌های فرزندپروری

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

والدین رابطهٔ معنادار وجود دارد و خانواده‌های برخوردار از پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین شیوه تربیتی فرزندشان بیشتر سبک استبدادی و خانواده‌های پایگاه اقتصادی متوسط و بالا سبک تربیتی‌شان اغلب سبک منطقی بوده است.

جدول شماره ۷. رابطه میان شیوه‌های فرزندپروری والدین بر اساس پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی خانواده

شیوه‌های تربیتی		پایگاه اقتصادی- اجتماعی			کل	مقدار کی‌دو
		پایگاه پایین	پایگاه متوسط	پایگاه بالا		
استبدادی	فراوانی	۱۱	۲	۳	۱۶	۱۴/۳۰۱
	درصد	۴۲/۳	۴/۹	۲۳/۱	۲۰	
منطقی	فراوانی	۹	۲۴	۷	۴۰	
	درصد	۳۴/۶	۵۸/۵	۵۳/۸	۵۰	
آسانگیر	فراوانی	۶	۱۵	۳	۲۴	سطح معناداری
	درصد	۲۳/۱	۳۶/۶	۲۳/۱	۳۰	۰/۰۰۶
کل	فراوانی	۲۶	۴۱	۱۳	۸۰	
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

مقایسه میزان اضطراب دانش‌آموزان براساس جنسیت آنان: براساس اطلاعات جدول شماره ۸، متوسط میزان اضطراب دانش‌آموزان پسر برابر ۶/۶۸± ۳۵/۵۵ و دختر برابر ۱۶/۷۳±۴۲/۷۶ به‌دست آمده است که مطابق آزمون لون‌تست مقدار F =۱۱/۹۴ با سطح معناداری P =۰/۰۰۱ آزمون برابری واریانسها معنادار به‌دست آمده است. بنابراین از t با واریانس نابرابر استفاده می‌شود که مقدار t برابر t =۲/۶۶ با سطح معناداری P =۰/۰۱ است و می‌توان گفت میزان اضطراب در میان دانش‌آموزان دختر و پسر متفاوت است و میزان اضطراب در دانش‌آموزان دختر بیش از دانش‌آموزان پسر است.

جدول شماره ۸ مقایسه میزان اضطراب براساس جنسیت دانش‌آموزان مورد مطالعه

مقایسه میزان اضطراب دانش‌آموزان دختر و پسر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	اشتباه معیار میانگین	درجه آزادی	سطح معناداری
پسر	۳۳	۳۵/۵۵	۶/۶۸۳	۱/۱۶۳	۷۸	۰/۰۲۲
دختر	۴۷	۴۲/۷۶	۱۶/۷۳۴	۲/۴۴	۶۴/۴۸	۰/۰۱

مقایسه میزان اضطراب دانش‌آموزان براساس پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی خانواده‌ها: براساس اطلاعات جدول شماره ۹، متوسط میزان اضطراب دانش‌آموزانی که از پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین هستند برابر ۶/۶۸± ۵۱/۰۹، پایگاه متوسط ۶/۶±۳۶/۲۸ و پایگاه بالا برابر ۴/۴۸±۲۸/۲۴ به‌دست آمده است که مطابق آزمون تحلیل واریانس یکطرفه مقدار F =۲۱/۹۴ با سطح معناداری P =۰/۰۰۰ میزان اضطراب براساس پایگاه اقتصادی- اجتماعی دانش‌آموزان معنادار

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

به‌دست آمده است و طبق آزمون تعقیبی LSD میزان اضطراب در پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین بیشتر از پایگاه متوسط و بالاست.

جدول شماره ۹. مقایسه میزان اضطراب دانش‌آموزان براساس پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی خانواده‌ها

	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	مقدار F	سطح معناداری
پایگاه پایین	۲۶	۵۱/۰۹	۱۷/۶۳	۲۷	۸۵/۱۴	۲۱/۹۴۲	۰/۰۰۰
پایگاه متوسط	۴۱	۳۶/۲۸	۶/۶۰۶	۲۵	۴۸		
پایگاه بالا	۱۳	۲۸/۲۴	۴/۴۸۱	۲۴	۳۶		
کل	۸۰	۳۹/۷۹	۱۳/۹۲	۲۴	۸۵/۱۴		

بحث و نتیجه‌گیری

میزان اضطراب دانش‌آموزان مورد مطالعه براساس سبکهای تربیتی والدین طبق آزمون تحلیل واریانس یکطرفه معنادار به‌دست آمده است و میزان اضطراب دانش‌آموزانی که والدینشان از سبک استبدادی برای تربیت آنان بهره می‌گیرند، بیشتر از سبک منطقی و آسان‌گیر است. والدین مقتدر، هم برای رفتار خودمختارانه و هم انضباط ارزش قائل‌اند، زیرا معتقدند که کنترل منطقی و نیز آزادی حساب شده موجب می‌شود که کودکان قوانین و اصول رفتارهای صحیح را درونی کنند و در قبال رفتار و اعمال خود احساس مسئولیت نمایند. این والدین علاوه بر اینکه گرم و بامحبت هستند، کودکانشان را به طرف استقلال سوق می‌دهند. علاقه بسیار دارند که دلایل هر عمل و خواسته را برای کودک روشن کنند .

میان شیوه‌های فرزندپروری والدین بر اساس پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی خانواده نیز طبق آزمون کی‌دو رابطه‌ای معنادار بوده است. شیوه تربیتی خانواده‌های برخوردار از پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین بیشتر سبک استبدادی و شیوه تربیتی خانواده‌های برخوردار از پایگاه اقتصادی متوسط و بالا اغلب سبک منطقی بوده است.

میزان اضطراب دانش‌آموزان براساس جنسیت نیز طبق آزمون تفاوت میانگین مستقل T-test معنادار بدست آمده و میزان اضطراب در دانش‌آموزان دختر بیش از دانش‌آموزان پسر است.

میزان اضطراب دانش‌آموزان براساس پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی خانواده‌ها نیز براساس آزمون تحلیل واریانس یکطرفه معنادار به‌دست آمده و میزان اضطراب دانش‌آموزان پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین بیشتر از پایگاه متوسط و بالاست.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های این تحقیق پیشنهاد می‌شود از طریق مراکز مشاوره به والدین آموزش داده شود که اگر در رفتار با کودکان به‌صورت مقتدرانه عمل کنند، یعنی در عین حال که کودکانشان را کنترل می‌کنند محبت بی‌شائبه‌ای را نیز نثارشان کنند، رفتار آنها بر سلامت روان و میزان کاهش اضطراب کودکانشان تأثیر مثبت خواهد گذاشت.

همچنین والدین و کارکنان مدارس با ایجاد تجربه‌های موفق، الگوهای موفق و همچنین تشویقهای کلامی برای دانش‌آموزان، میزان اعتماد به نفس آنها را افزایش دهند تا از طریق از میزان اضطراب و استرس دانش‌آموزان کاسته شود. همچنین والدین و مسئولان به حالات روحی- روانی دانش‌آموزان توجه بیشتر بکنند تا در صورت مشاهدهٔ علائم ناراحتی با اقدام سریع در این زمینه از مزمن شدن این ناراحتیها جلوگیری به عمل آید.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

منابع

آهنگرزاده، احد. (۱۳۹۰). رابطه سبک های فرزندپروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر. *مجله پژوهش های علوم شناختی و رفتاری*، سال اول، شماره اول، پیاپی(۱)، ۱–۸.

احدی، حسن و بنی جمالی، شکوه. (۱۳۸۸). *روانشناسی رشد: مفاهیم بنیادی در روانشاسی کودک*. تهران: نشر جیحون.

ایروانی، محمود و ایزدی، مریم. (۱۳۷۸). بررسی ارتباط بین سبکهای اسنادی و وضعیت سلامت روانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان. *مجله دانش‌پژوه*، شماره اول، ۷ – ۲۰.

دهقانی، عبداله. (۱۳۷۹). *مقایسه بین شیوه‌های فرزندپروری و خودتنظیمی تحصیلی و تاثیر بر موفقیت در درسهای فارسی و ریاضی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.

شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۸۳). *مبانی روانشناسی رشد*. تهران: نشر چهر.

ماسن، پاول و همکاران (۱۳۷۷). *رشد و شخصیت کودک*، (ترجمه مهشید یاسایی)، چاپ دوازدهم. تهران: نشر مرکز.

محرابی، شهربان. (۱۳۸۳). *مقایسه میزان اختلالات روانی دختران نوجوان با توجه به شیوه‌های فرزندپروری والدین در دبیرستانهای شهرستان جیرفت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

محمدخانی، شهرام. (۱۳۹۰). *مهارت جرات مندی "ویژه دانش‌آموزان"*. تهران: نشر طلوع.

مهرابی هنرمند، مهناز؛ نجاریان، بهمن و بحرینی، شهناز. (۱۳۷۹). رابطه شیوه‌های فرزندپروری با سلامت روانی و هماهنگی مولفه‌های خودپنداشت. *مجله روانشناسی اهواز*، سال چهارم، شماره ۱، ۸۳–۹۷.

یعقوب‌خانی غیاثوندی، مرضیه. (۱۳۷۲). *رابطه محیط خانواده و پیشرفت تحصیلی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.

Muris, P. (2002). Relationships between self-efficacy and symptoms of anxiety disorders and depression in a normal adolescent sample. *Personality and Individual Differences*, 32, 337-348.

Pervin, L. A., & John, O. P. (2001). *Personality: Theory & Research* (8th Ed.). New York: John Wiley & Sons.

Rey, J. M., & Plopp, J. M. (1990). Quality of perceived parenting in oppositional and conduct disorder adolescents. *Journal of American Academy of child and Adolescents Psychiatry*, 29, 382-389.

Schunk, D. M., & Pajares, F. (2002). *The development of academic self-efficacy*. San Diego: Academic Press.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.6.6]
[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]